

درد دل نهضت آزادی ایران با رهبر انقلاب

محضر رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی مدظله

اجازه می‌خواهیم درد دل خود را با ترجمه سخنی از سرور آزادگان حسین علیه‌السلام آغاز کنیم که فرمود «اگر دین محمد(ص) جز با قتل من استوار نمی‌شود ای شمشیرها مرا بگیرید». چندی است طبق نقشه‌ای پیش‌پرداخته، حملات و اتهامات ناروا نسبت به مکتب و حیثیت اعضاء نهضت آزادی ایران شدت یافته و زمینه‌چینی برای برکناری این گروه از صحنه سیاست و خدمت و شاید حیات می‌شود.

ما که شهادت در راه اسلام و میهن اسلامی را عین سعادت و احراز شخصیت می‌دانیم و طی سال‌های سیاه حکومت محمد رضاخانی این اعتقاد را نشان داده‌ایم از تحمل بار سنگین تهمت‌های ناروا نهراسیده و حمله دشمنان اسلام و ایران را دلیل بر حقانیت راه خود دانسته‌ایم. ولی سخنرانی‌های اخیر امام امت که به صورت درد دل بیان شده است حاوی مطالبی است که سلاخی بدست دشمنان دیرینه ما داده و مقدمات لکه‌دار ساختن این جریان اصیل اسلامی را فراهم نموده است.

سوابق افکار و اعمال نهضت برای مردم روشن می‌باشد و تجربه نشان داده است که هر زمان اتهام و دشنام اوج گرفته است برای نهضت جایی وسیع‌تر و عمیق‌تر از گذشته در قلوب مردم باز شده است. ولی کوبیدن ما با سوء تعبیر و تفسیر سخنان امام تنها به منظور نابود ساختن نهضت آزادی ایران صورت نمی‌گیرد بلکه با هدف لکه‌دار ساختن انقلاب اسلامی و مقام رهبری دنبال می‌شود. احساس این خطر عظیم است که ما را به درد دل کردن وامی‌دارد و گرنه مبارزات گذشته و اقدامات ما تنها به خاطر انجام وظیفه اسلامی و انسانی‌مان بوده و در این راه نه بر کسی منتی داشته و نه از انسانی اجری می‌طلبیم. دعای ما این بوده است که با اقدامات خود خدای را خشنود ساخته و قدمی در راه او برداریم.

اتهام طرفداری از سلطنت شاه و وابستگی به آمریکا و غرب‌زدگی

امام در اجتماع فرماندهان ارتش پیروزمند ایران که روز ۲۴ خرداد خدمتشان رسیده بودند بیاناتی بدین مضمون ایراد فرمودند: «کسانی که از آنها نیستند و به اصطلاح خودشان صلاح ملت را می‌بینند که وابسته باشند و شاید نماز شب هم می‌خوانند ولی از بچگی توی گوششان خوانده‌اند که شما خودتان را نمی‌توانید اداره کنید و باید به طرف غرب و آمریکا برویم و این‌ها که اغفال شده‌اند یکی از محترمینشان به پاریس آمده و گفته است شاه حالا باشد و سلطنت کند...» برای اعضاء نهضت که در مذاکرات پاریس حاضر و طرف صحبت بوده‌اند تردید نیست که اشاره رهبر عالیقدر انقلاب بدان‌ها نبوده است. ولی آیا آنان که کمر به نابودی این حرکت اصیل اسلامی بسته‌اند فرصت را از دست خواهند داد و از سخنان امام برای نابودی نهضت استفاده نخواهند کرد؟

ما که از داشتن رسانه‌ای که بتواند فریاد مظلومیت‌مان را به مردم برساند محرومیم و حتی برخی رسانه‌ها حاضر نیستند پیام تسلیت‌مان را در شهادت یکی از عزیزترین هم‌زمان سالیان درازمان، دکتر مصطفی چمران، منتشر کند، به کجا پناه بریم و چگونه از خود دفاع کنیم؟ چگونه به مردم بگوییم که نهضت آزادی در ۶ شهریور ۱۳۵۷ در زمان حضور و قدرت شاه در ایران و دو ماه قبل از ملاقات پاریس با امام در اعلامیه‌اش صریحاً گفته «شاه باید برود» و رهبر نهضت در اردیبهشت ۵۷ یعنی ۶ ماه قبل، در مصاحبه مخفیانه با رادیو تلویزیون بلژیک که در سراسر اروپا و آمریکا پخش شد فریاد زده بود که «تا شاه در کشور ما هست آزادی و حقوق بشر نخواهیم داشت؟» آخر به چه وسیله‌ای اعلام کنیم که امام امت در نامه ۱۶ شهر صیام ۹۸ خود به این مصاحبه اشاره فرموده و از نهضت آزادی به عنوان حرکتی «که در طول مبارزات در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود پیوستگی و همگامی خود را با اسلام و انزجار و تبری خود را از رژیم منحط پهلوی اعلام نموده‌اند» یاد کرده‌اند؟ به که درددل کنیم که غرض‌ورزان با کوبیدن و آمریکایی خواندن ما اصالت انقلاب را منکر شده و در قدرت تشخیص و صلاحیت و صداقت رهبر انقلاب تردید روا می‌دارند؟ مگر نه این بود که امام در روزهای پرتلاطم قبل از پیروزی دو تن از مؤسسين نهضت آزادی، بازرگان و سحابی را برای تأمین نیازهای داخلی فرآورده‌های نفتی و هم‌آهنگ ساختن اعتصابات علیه شاه انتخاب کردند؟ مگر رهبر انقلاب دولت بازرگان را دولت امام زمان و واجب‌الاطاعه اعلام نفرمودند؟ آیا رئیس دولت امام زمان را طرفدار سلطنت و وابسته به آمریکا و غرب‌زده خواندن تردید در اصل امامت نیست؟ تأسف ما از این است که این تهمت‌ها نه تنها از طرف چریک‌های فدایی خلق و مارکسیست‌های شرقی و غربی که از رسانه‌های عمومی و صدا و سیمای جمهوری اسلامی نیز به ما زده می‌شود.

ما و وابستگی به آمریکا و یا خارجی‌ان؟ پناه بر خدا!!!

آیا مأمور خلع ید از شرکت غاصب نفت انگلیس و مسئول اداره تأسیسات عظیم نفتی به دست ایرانیان، مهندس بازرگان نبود؟ آیا بازرگان و سحابی از پیش‌تازان بی‌نیاز ساختن دانشکده‌ها از استادان خارجی نبودند؟ آیا در سال ۱۳۳۲ زمانی که بسیاری زبانها بسته بود استادان مؤسس نهضت آزادی، به اشاره سیا و به دستور کفیل وزارت فرهنگ زاهدی، به خاطر نامه سرگشاده‌ای که علیه قرارداد تحمیلی کنسرسیوم امضاء کرده بودند از دانشگاه اخراج نشدند؟ آیا این استادان هر جا وارد شدند موجبات بی‌نیازی و اخراج خارجی‌ان را فراهم ساختند و روح خودجوشی و خودکفایی را در ایرانیان زنده نکردند؟ آیا اعضاء نهضت آزادی خارج کشور همچون دکتر شریعتی، دکتر چمران، دکتر یزدی و مهندس توسلی بنیانگذار حرکت اسلامی در میان دانشجویان خارج از کشور، بوجود آورنده انجمن‌های اسلامی و از مبارزان سرسخت ضد رژیم و اربابان غربی و آمریکائیش آن هم، در غرب و آمریکا نبودند؟ اگر دشمنان نهضت، با چنین سوابقی ما را مورد حمله قرار دهند و در این راه به سخنان امام استناد کنند ما چاره‌ای جز درددل بردن به امام نداریم.

اتهام خصومت با مجلس خبرگان و روحانیت و اسلام

دشمنان ما سخنان اخیر امام در مورد مجلس خبرگان را چون شمشیری علیه ما بکار می‌برند و ما را

دشمن اسلام و مجلس خبرگان قلمداد می‌کنند.

ما و محو اسلام و ترس از علمای اسلام؟ حاشاالله!!

تشکیل مجلس خبرگان و انتخابات آن را دولت موقت باعث شد. در یکی از جلسات هیأت دولت موقت و شورای انقلاب که امام احضار فرموده بودند کلیه روحانیون عضو شورا و خود ایشان با نگرانی از بروز اغتشاش در اثر تأخیر تدوین قانون اساسی به این فکر افتاده بودند که همان پیش‌نویس تنظیمی دولت و شورای انقلاب و تأیید شده از طرف خودشان به فراندوم گذارده شود. اعضای دولت، مرحوم طالقانی و آقای بنی‌صدر پافشاری کردند که بحکم «الکریم اذا وعد وفا» عدول از انتخاب مجلس مؤسسان نشود. بالاخره مجلس مؤسسان به صورت مختصر مجلس خبرگان در آمد و مدت یکماه مهلت قانونی آن به سه ماه کشید. طرح قبلی که امام جز در دو سه مورد جزئی ایرادی نداشتند زیر و رو شد. هیأت دولت در صدد چاره و کسب اجازه برآمد. نپسندیدند اما دولت هم کاری نکرد و صدایش را در نیامورد پیشنهاد این بود که امام پیش‌نویس تأیید شده قبلی را با هر اصلاح و اضافات که لازم بدانند به آراء عمومی بگذارند، نه اغوایی در کار بود، نه اختفایی، نه قصد تضییع حق از کسی و نه اغفالی. آیا ما و مؤسسین انجمن‌های اسلامی دانشجویان و مهندسی که در روزگار سیاه افتراق و اختناق پای روحانیت مؤمن متقی روشنفکر را به دانشگاه و به مبارزه کشانیدیم، در سال‌های قبل از ملی شدن نفت پل ارتباطی مابین دانشگاه تهران و حوزه علمیه قم برقرار ساخته بودیم و به قول مرحوم مطهری بزرگترین خدمت‌مان و علت خصومت دستگاه با نهضت، پیوند دین و دانشگاه یا روحانی و روشنفکر بود، از اسلام و از مجلسی که بر پایه اسلام تشکیل شود واهمه داشته‌ایم؟

دوستان و همفکران ما بودند که بحث راجع به ولایت فقیه و مرجعیت را در میان روشنفکران آغاز کردند و سمیناری که محصول آن کتابی بنام «بحثی درباره مرجعیت و روحانیت» به قلم آقایان علامه طباطبایی، سید محمود طالقانی، مهدی بازرگان، مرتضی مطهری، سید محمد بهشتی، حاج سید ابوالفضل موسوی زنجانی و سایرین بود. ... آقایان مهندس تاج، مهندس کتیرایی، دکتر سبحانی، مهندس بازرگان و حاج شبستری‌زاده تشکیل شد که چهار نفر اول از اعضاء دولت موقت بوده‌اند.

ای امام:

غرض از نوشتن این دردل‌نامه این نیست که مسلمان بودن خود را اثبات کرده و یا از جسم و جان خود دفاع کنیم. که اگر کاری هر چند ناچیز کرده‌ایم به خاطر رضای خدا بوده است و اگر هم در این راه قربانی شویم باز هم به سوی او برمی‌گردیم هدف ما این است که به عرض برسانیم سوءتعبیر و تفسیر سخنان امام باعث آن می‌شود که اسلام و انقلاب و علاقمندان و مدافعان آن مورد حملات ناجوانمردانه دشمنان قرار گیرند.

آخر چه دستی در کار است که اطلاعیه مورخ ۲۷ خرداد نهضت آزادی که به دنبال بیانات امام منتشر شده و موضع نهضت را در مورد احزاب، لایحه قصاص و تشنجات خیابانی روشن نموده است، علیرغم نظر رهبر انقلاب، هرگز از صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش نگردد و حتی روزنامه‌هایی که به اصرار نهضت و با چند روز تأخیر آن را منتشر می‌سازند قسمت آخر آن را حذف کنند؟ ما در این قسمت به هموطنان اخطار کرده‌ایم که «میهن اسلامی ما دوران پرتلاطم و حساس را می‌گذراند. دشمنان انقلاب

اسلامی تلاش دارند تا هر روز به بهانه‌ای و تحت عنوان جدیدی با انتشار شایعات بی‌اساس و نسبت‌های کذب صفوف متحد مسلمانان را بر هم ریزند. هوشیار باشید تشنجات و تجاوزات خیابانی به ضرر جمهوری اسلامی و به نفع بیگانگان است.»

تسلیم دسیسه‌های نفاق‌افکنانه دشمنان انقلاب اسلامی نشوید. از انقلاب اسلامی و دستاوردهای گرانبهای آن حراست کنید.

هدف از این درد دل این است که خطری را که به نظر ما متوجه اسلام و انقلاب است به اطلاع امام رسانیده از ایشان استدعا کنیم اگر آنچه گفتیم مورد قبول است اجازه ندهند این وضع ادامه یابد و اگر پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی را در ادامه این وضع می‌بینند اعضاء نهضت آزادی آماده‌اند، عاشقانه به استقبال اتهامات، آزارها و حتی زندان و شهادت بروند.

و بالاخره اگر نظر رهبر انقلاب این است که اعضاء نهضت مکلفند، علیرغم اتهامات و افتراها ساکت بنشینند، تمنا می‌کنیم نظر خود را به طور خصوصی به ما اعلام دارند تا به حکم تکلیف و به خاطر مصالح انقلاب صبر و سکوت را پیشه ساخته برای استقرار جمهوری اسلامی و پیروزی کامل انقلاب دعا کنیم.

نهضت آزادی ایران